

Reading the Iranian Constitutionalism Based on the Narration of Ebrahim Beg's Travelogue

Mehdi Faraji^{1*}, Behzad Ghasemi²

1. Department of History, University of Tabriz, Tabriz, Iran.
2. Associate Professor of History of Islamic Revolution, Faculty of International Relations, Imam Hossein(AS) University, Tehran, Iran

Received: 2025/0321

Received in Revised Format: 2025/02/02

Accepted: 2025/02/25

Published: 2025/02/03

Abstract

The present article seeks to explain the proximate factors in the emergence of the Iranian constitutionalism by citing historical sources and the Narration of the critical treatise "Ebrahim Beg's Travelogue" and utilizing Crane Brinton's theory of revolution. The aforementioned treatise has the following advantages: first, it presents a relatively comprehensive picture of the situation in Iran and the new demands formed in the years leading up to the constitutionalism, and second, historical sources confirm the importance and impact of this treatise on the awakening of Iranians. Brinton's theory of revolution also has high credibility in this research because it has been examined in the four major revolutions (France, Russia, England, and America) of the world. The method of the article is descriptive-explanatory, and Brinton's theory has been used to explain the proximate factors and also as a criterion to determine the nature of the Iranian constitutionalist movement. The findings indicate that among the preliminary signs that Brinton lists in his theory of revolution, the components of "government inefficiency", "legitimacy crisis" and "elite gap/change of allegiance of enlightened thinkers" played a role in the emergence of the Iranian constitutionalism. The signs of "no economic crisis" did not apply to the Iranian constitutionalism, and on the contrary, economic poverty, criticized by the Sahatnameh, "class gap" and "surprising failure in the use of force" were also not observed. In other words, the constitutional movement had a peaceful process and the constitutional decree was issued without military and bloody conflict, and this is one of the cases that shows the fact that the Iranian constitutionalism was not a revolution but a movement.

Keywords: Iranian constitutionalism, Proximate factors/preliminary signs, Crane Brinton's theory of revolution, Ebrahim Beg's travelogue.

Cite as: Reading the Iranian Constitutionalism Based on the Narration of Ebrahim Beg's Travelogue. Iranian History of Culture. 2025; 2(1): 30-45.

Owner and Publisher: University of Tabriz

Journal ISSN (online): 3060-8066

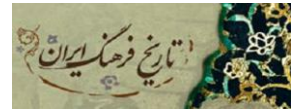
Access Type: Open Access

DOI: 10.22034/IHC.2025.19259

*Corresponding Author: Associate Professor of University of Tabriz, Tabriz, Iran

m.faraji@tabrizu.ac.ir





خوانش مشروطیت ایران بر اساس روایت سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ

مهدی فرجی^{۱*}، بهزاد قاسمی^۲

۱. گروه تاریخ، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۲. دانشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، تهران، ایران

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۰ | بازنگری: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴ | پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۱۵ | انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

چکیده

مقاله حاضر در صدد است با استناد به منابع تاریخی و روایت رساله انتقادی سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ و بهره‌گیری از نظریه انقلاب کرین برنتون، به تبیین عوامل قریب/ نزدیک در وقوع مشروطیت ایران بپردازد. رساله مزبور از امتیازاتی برخوردار است اول اینکه تصویری نسبتاً جامع از اوضاع ایران و نیز مطالبات جدید شکل گرفته در سال‌های منتهی به مشروطیت ارائه می‌کند و دوم اینکه منابع تاریخی اهمیت و تاثیرگذاری این رساله را در بیداری ایرانیان تأیید می‌کنند. نظریه انقلاب برنتون نیز از این جهت اعتبار بالایی در این پژوهش دارد که در چهار انقلاب بزرگ (فرانسه، روسیه، انگلیس و آمریکا) دنیا مورد بررسی واقع شده است. روش مقاله توصیفی-تبیینی بوده و از نظریه برنتون برای تبیین عوامل نزدیک و نیز به عنوان معیاری جهت مشخص نمودن ماهیت جریان مشروطه خواهی ایرانیان استفاده شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که از بین نشانه‌های مقدماتی که برنتون در نظریه انقلاب خود بر می‌شمارد، مولفه‌های «ناکارآمدی حکومت»، «بحران مشروعیت» و «شکاف نخبگان/ تغییر بیعت منورالفکران» در وقوع مشروطیت ایران نقش داشته‌اند. نشانه‌های «بحرانی نبودن اقتصاد»، در مشروطیت ایران انطباق نداشته و بالعکس، فقر اقتصادی، مورد انتقاد سیاحت‌نامه است، «شکاف طبقاتی» و «ناکامی شگفت آور در کاربرد زور» نیز مشاهده نشده است. به عبارت دیگر جنبش مشروطه خواهی روندی مسالمت آمیز داشت و فرمان مشروطیت بدون درگیری نظامی و خونین صادر شد و همین مسئله یکی از مواردی است که نشان‌دهنده این واقعیت است که مشروطیت ایران نه انقلاب بلکه جنبش بوده است.

کلیدواژه‌ها: مشروطه خواهی ایرانیان، عوامل قریب/نشانه‌های مقدماتی، نظریه انقلاب کرین برنتون، سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ.

نحوه ارجاع: "خوانش مشروطیت ایران بر اساس روایت سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ". تاریخ فرهنگ ایران. ۱۴۰۴: ۲(۱)، 30-45.

صاحب امتیاز و ناشر: دانشگاه تبریز

شاپای الکترونیکی: ۸۰۶۶-۳۰۶۰

نوع دسترسی: آزاد

DOI: 10.22034/IHC.2025.19259



مقدمه

با توجه به اینکه جنبش مشروطیت ایران از دیدگاه‌های مختلفی ارزیابی شده است، این مقاله در نظر دارد از سویی با تکیه بر روایات و دیدگاه‌های انتقادی سیاحتنامه ابراهیم بیگ به عنوان مجموعه داده‌های تاریخی و منبع فکری مشروطه خواهان، و از سوی دیگر با تکیه بر نشانه‌های مقدماتی انقلاب مندرج در نظریه کرین برینتون (Crane Brinton)، به تبیین عوامل قریب/ نزدیک در وقوع جنبش مشروطیت ایران بپردازد.

این مقاله قصد دارد به جای ارائه مصادیق و شواهدی پراکنده از منابع مشروطیت، به بررسی عمیق یکی از مهمترین آنها بپردازد. منبع مورد نظر، سیاحتنامه ابراهیم بیگ است. علت انتخاب اثر مزبور از میان انبوه منابع مرتبط با جنبش مشروطیت، به این دلیل است که این رساله، منبع فکری مشروطه خواهان بوده و مورد توجه تاریخنگاران و مشروطه نویسان نیز بوده است. احمد کسروی به کرات به مطالب آن در اثر خود اشاره کرده است. همچنین سیاحتنامه از مهم‌ترین رسائل انتقادی سال‌های منتهی به مشروطیت است که در بیداری ایرانیان تاثیر غیر قابل انکاری داشته و بسیاری از زوایای پنهان در علل وقوع مشروطه و مطالبات و رویکرد مشروطه خواهان را آشکار ساخته است. درباره نظریه برینتون نیز قابل ذکر است که وی، به وقایع و عوامل قریب الوقوع انقلاب (عوامل و وقایع آخرین سال‌های منتهی به انقلاب) پرداخته است. در این پژوهش مشروطه خواهی ایرانیان با توجه به علل نزدیک بررسی شده است. هدف مقاله حاضر، تبیین مشروطیت ایران بر اساس ظرفیت نظریه انقلاب برینتون و مستندات تاریخی و منبع فکری مشروطه خواهان (مشخصاً سیاحتنامه ابراهیم بیگ) است و نه نظریه آزمایی. به کار گیری نظریه انقلاب برینتون این امکان را می‌دهد که زوایای جدیدی از جریان مشروطیت ایران آشکار شود. مقاله حاضر برای پاسخ دهی به این سوال اساسی سامان یافته است که بر اساس نظریه انقلاب کرین برینتون و روایات سیاحتنامه ابراهیم بیگ، نشانه‌های مقدماتی و قریب الوقوع انقلاب مشروطه ایران کدامند و کدام نشانه‌ها در جریان انقلاب مشروطه ایران و سایر انقلاب‌های بزرگ بصورت مشترک وجود داشته است؟

در ارتباط با سیاحتنامه ابراهیم بیگ این سوال را مطرح می‌کنیم که هدف سیاحتنامه چیست؟ زین العابدین مراغه‌ای در پاسخ به سوال مزبور چنین می‌نویسد: «از دلایل اصلی نگارش کتاب، گسترده شدن بساط عدل و مساوات و اجرای قانون مشروطیت» است؛ «زیرا علاج درد ایران را در آن دیده و یقین حاصل نموده که حل هر مشکل و گشایش باب همه گونه خوشبختی و سعادت ایرانیان بسته به سد باب استبداد و گستردن بساط عدل و داد است» (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۶۹۰). از این جهت که هدف نگارش کتاب سیاحتنامه با اهداف و مطالبات مشروطه خواهان سنخیت زیادی داشته است، منبع مهمی برای استخراج زمینه‌های وقوع انقلاب خواهد بود. در واقع مشروطیت نتیجه بیداری فکری ایرانیان از اواخر دوره ناصر الدین شاه به بعد بود که از طرق مختلف از جمله تأسیس نهادهای جدید و موسسات تمدنی نو، افزایش ارتباطات با کشورهای غربی، واگذاری امتیازات به اجانب، انتشار آثار منورالفکران، نشر تحولات و اندیشه‌های جدید در روزنامه‌ها حاصل شده و موجب آگاهی ایرانیان از تحولات جهانی و نظام‌ها و مفاهیم جدید می‌شد. یکی از عوامل بیداری ایرانیان و همراهی آن‌ها (عمدتاً شهرنشینان و نخبگان) با اصلاحات و جنبش مشروطیت، انتشار رسائل و کتاب‌های انتقادی از جمله کتاب احمد و مسالک المحسنین طالبوف و سیاحتنامه ابراهیم بیگ بود.

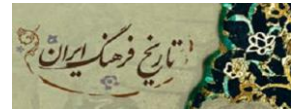


تصویری که سیاحتنامه از اوضاع و احوال ایران ارائه می‌کند بیان‌کننده این نکته است که وی به خوبی اوضاع را درک کرده و از احوال ایران و ایرانیان آگاه بوده و انتقاداتش بر اساس وقایع و اخبار دقیق دوره ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه شکل گرفته است. کتاب مزبور در قالب یک رمان و بیانی دلنشین، به مجموعه‌ای از وقایع و حوادثی و اوضاعی اشاره دارد که استقرار مشروطیت در ایران را ضروری نشان می‌دهد نکته دیگر اینکه روایات انتقادی و اخبار اثر مزبور از سوی منابع تاریخی تایید می‌شوند.

تقی زاده از مشروطه خواهان معروف سیاحتنامه را یکی از منابعی ذکر می‌کند که نقش مهمی در «روشنی افکار عامه» داشته است (مشروطیت از زبان تقی زاده، ۱۳۹۹: ۷۷). تاریخ نویسان از تاثیر سیاحتنامه در بیداری ایرانیان سخن گفته‌اند؛ آنچنان که از نوشته ناظم الاسلام کرمانی بر می‌آید، سیاحتنامه در محافل مشروطه خواهان خوانده می‌شد و آنها از خواندن این کتاب متأثر شده و مطالعه آن را به دیگران توصیه می‌کردند و آن را وسیله‌ای جهت بیداری ملت می‌دانستند (کرمانی، ۱۳۹۱: ۱۶۲-۱۶۱، ۱۶۵، ۱۷۸). کسروی نیز در تاثیرگذاری سیاحتنامه چنین آورده است: «ارج آن را کسانی می‌دانند که آن روزها خوانده‌اند و تکانی را که در خواننده پدید می‌آورد به یاد می‌دارند... انبوه ایرانیان... از خواندن این کتاب، تو گفتمی از خواب بیدار می‌شدند، و تکان سختی می‌خوردند. بسیار کسان را توان پیدا کرد که از خواندن این کتاب بیدار شده و برای کوشیدن به نیکی کشور آماده گردیده و به کوشندگان دیگر پیوسته‌اند» (کسروی، ۱۳۸۵: ۵۳) سهراب یزدانی از محققین تاریخ مشروطیت، در اهمیت سیاحتنامه می‌نویسد: «با آن که سیاحتنامه ابراهیم بیگ شکل داستانی دارد، اما تصویری دقیق از جامعه دوره متأخر ناصری به دست می‌دهد و گاه در حد اثر دست اول تاریخی قابل استناد است» (یزدانی، ۱۳۹۹: ۱۸). سیاحتنامه ابراهیم بیگ از رساله‌های انتقادی ممتاز است که تاثیر بسزایی در بیداری ایرانیان داشته است. حاج زین العابدین مراغه‌ای خود اذعان می‌کند که همین تاثیرگذاری سیاحتنامه، برای او انگیزه شد تا جلد دوم و سوم رساله مزبور را تدوین کند و همانگونه که در متن سیاحتنامه ذکر شده، آن ایام، اغلب علماء، ادبا و فضلا و روحانیون در صدد تهیه و مطالعه اثر ایشان بوده‌اند (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۳۰۵ و ۶۵۹).

قابل ذکر اینکه جلد دوم سیاحتنامه بر اساس امضای پایان جلد دوم، در سال ۱۳۲۳ ق یک سال قبل از صدور فرمان مشروطیت نوشته شده است. نگارش جلد سوم هم بر اساس اشاره‌هایی که شده است در سال ۱۳۲۴ ق و بعد از صدور فرمان مشروطیت شروع و در سال ۱۳۲۷ ق پایان یافته است. نگارش جلد اول، تاریخ مشخصی ندارد ولی از اشاره‌ای که نویسنده در جلد سوم در بخش «ترجمه حال مولف» دارد و عنوان می‌کند که «طبع جلد اول این سیاحتنامه تا کنون که دوازده سال از آن می‌گذرد» و نیز با توجه به اینکه جلد سوم را در سال ۱۳۲۴ آغاز کرده بود، طبع جلد اول باید در سال ۱۳۱۲ ق و ۱۲ سال قبل از مشروطیت انجام شده باشد (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۵۳۱، ۵۳۸، ۶۹۰). با توجه به اینکه این مقاله در صدد تبیین عوامل قریب جنبش مشروطیت است، روایات جلد اول و دوم سیاحتنامه اساس بررسی این پژوهش قرار گرفته است.

سوال دیگری که در خصوص موضوع و روش مقاله حاضر مطرح می‌شود این است که اهمیت استفاده از نظریه برینتون در کتاب کالبد شکافی چهار انقلاب چیست؟ برینتون در خصوص چهار انقلاب (آمریکا، انگلستان، فرانسه و روسیه) بر این باور است که همسانی‌های معینی (نشانه‌های یکسانی) در انقلاب‌های مزبور وجود دارد که آنها مورد بررسی قرار گرفته و از بررسی سایر انقلاب‌ها (به جز از این چهار کشور) اجتناب شده است. در تحقیق حاضر، هدف از تبیین جنبش مشروطیت به



مقاله پژوهشی

وسیله نظریه برینتون، تبیین اشتراکاتی است که در انقلاب‌های بزرگ دنیا وجود داشته و برای تبیین ماهیت مشروطه خواهی ایرانیان نیز مفید هستند. با عنایت به اهمیت نظریه مذکور و کاستی پژوهش در این باره، مقاله پیش‌رو سعی دارد به مسئله مطرح شده در مقاله بپردازد.

پیشینه و روش تحقیق

در خصوص ادبیات تحقیق باید گفت که برخی پژوهشگران در لابلای آثار خود به بررسی مشروطیت ایران بر اساس برخی مولفه های نظریه برینتون پرداخته‌اند. نخست مقاله «مشروطه‌خواهی و نقش زور در آن بر پایه یافته‌های نظری کرین برینتون» اثر سید جواد امام جمعه زاده و ابراهیم دارابی است. در این مقاله نشانه‌های وقوع انقلاب بیانگر کاربرد زور از طرف حاکمیت قاجار را نشان داده است (امام جمعه زاده و دارابی، ۱۳۸۹) که با نتایج مقاله حاضر همسویی ندارد. مقاله دیگر با عنوان «نشانه‌های تب در انقلاب مشروطیت با تکیه بر یافته‌های نظری کرین برینتون»، اثر بهرام نوازی است (نوازی، ۱۳۸۵). از نظر نوازی نظریه برینتون در مورد مشروطه در زمینه «کاربرد زور در انقلاب» تا اندازه زیادی مورد تایید قرار گرفته است. البته این تحلیل نیاز به تحلیل تاریخی مبتنی بر منابع اصلی دارد. «تبیین جنبش مشروطه خواهی ایرانیان بر اساس نظریه انقلاب کرین برینتون» (فرجی و قاسمی، ۱۴۰۰) تحقیق دیگری است که فرجی و قاسمی انجام داده اند. مقاله پیش رو با مقاله ذکر شده در استفاده از نظریه کرین بریتون اشتراک و همپوشانی دارد اما از نظر منابع مورد استفاده، سطوح و ماهیت توصیف ها و تحلیل ها متفاوت هستند. به عبارت دیگر مقاله اولی (فرجی و قاسمی، ۱۴۰۰) با استفاده از منابع اصلی دوره مشروطیت شامل منابع تاریخنگاری، خاطرات، سفرنامه ها و مطبوعات به تبیین عوامل قریب در وقوع مشروطیت پرداخته است اما مقاله حاضر همان موضوع را با همان رهیافت نظری با تمرکز بر روی سیاحتنامه ابراهیم بیگ انجام داده است. هر دو مقاله یافته های همدیگر در خصوص عاملیت و یا عدم عاملیت نشانه های قریب مورد اشاره کرین برینتون در وقوع مشروطیت ایران را تأیید می کنند.

کتاب کالبد شکافی چهار انقلاب یکی از مهم‌ترین آثار کرین برینتون است که در آن به بررسی انقلاب کشورهای فرانسه، روسیه، انگلیس و آمریکا می‌پردازد. برینتون مراحل وقوع و فرایند انقلاب‌ها را در دو قسمت بررسی کرده است. قسمت اول، نشانه‌های مقدماتی و عوامل قریب الوقوع انقلاب است و قسمت دوم، بر اساس این نظریه انقلاب‌ها در سیر تحولات خود چهار مرحله را به طور کلی پشت سر خواهند گذاشت؛ در مرحله اول پس از سرنگونی رژیم حاکم، میانه‌روها بر مسند قدرت تکیه می‌زنند. در مرحله دوم، پس از گذشت مدت کوتاهی به دلیل برآورده نشدن توقعات انقلابی مردم، میانه‌روی جای خود را به نیروهای رادیکال/تندرو می‌دهند. مرحله سوم دوره وحشت است و مرحله نهایی ترمیدور یا همان دوران نقاهت و بازگشت به ارزش‌های رژیم پیشین است. ترمیدور یعنی تحقق جبر تاریخی و به تعبیر برینتون انقلاب فرزندان خود را می‌بلعد (برینتون، ۱۳۶۳: ۲۵۴ - ۲۶۹).

در این مقاله جنبش مشروطه خواهی ایرانیان بر اساس قسمت اول نظریه کرین برینتون مورد بررسی واقع شده است. به دلیل اهمیت موضوع و تبیین ابعاد و زمینه‌های وقوع مشروطیت، نشانه‌های مقدماتی وقوع انقلاب در نظریه مذکور مبتنی بر روایات، مستندات و انتقادات سیاحتنامه ابراهیم بیگ مورد بررسی قرار گرفته است. حاصل نظریه برینتون در قسمت اول در مدل مفهومی زیر ترسیم شده و مفروض اصلی آن جهت بررسی و انطباق سنجی دقیق به صورت مختصر اشاره شده است.



(شکل): دیدگاه برینتون درباره وقوع انقلاب و نشانه‌های مقدماتی آن

چهار مفروض اصلی رهیافت نظری برینتون در چهار انقلاب بزرگ دنیا (انگلستان، آمریکا، فرانسه و روسیه) مورد بررسی قرار گرفته است. در نظریه کرین برینتون، رژیم‌های پیشین در انقلاب‌های انگلستان، آمریکا، فرانسه و روسیه، در زمینه علل وقوع انقلاب مشابهت زیادی داشتند؛ اگر چه هریک از کشورهای مورد بررسی، علل دیگری نیز علاوه بر مشترکات داشتند. اما می‌توانند زمینه‌ای برای بررسی‌های بعدی باشند. برینتون سعی در القاء یک نظر واحد و یکدست برای تبیین تمام انقلاب‌ها ارائه نمی‌دهد و نیز به آن باور ندارد (همان: ۳۱). ولی مهم‌ترین علل وقوع چهار انقلاب را در مولفه‌های زیر دانسته و وجود هر یک از آن‌ها را از نشانه‌های مقدماتی انقلاب به شمار می‌آورد.

بحث (متن مقاله)

۱-۲- بحران اقتصادی و شکاف طبقاتی: برینتون در بررسی انقلاب‌های مورد مطالعه به بحرانی نبودن اقتصاد در چهار کشور اشاره دارد و معتقد است کشورهایی که انقلاب در آن‌ها به وقوع پیوست، نه تنها گرفتار بحران اقتصادی نبودند بلکه اقتصاد آن‌ها رو به رشد بوده است. از نظر برینتون جز آمریکا در سه کشور مورد مطالعه، ناهمسازی طبقاتی وجود داشت. در مجموع، جوامع مورد بررسی برینتون از نظر اقتصادی رو به پیشرفت بوده و جامعه فرانسه سراسر قرن ۱۸ رو به رشد بود. انگلیس و روسیه نیز در مسیر پیشرفت قرار داشتند. برینتون اعلام می‌دارد که انقلاب انگلیس بیگمان بخاطر تنگدستی اقتصادی پیش نیامد (برینتون، ۱۳۶۳: ۳۶-۳۳).

بر اساس بررسی برینتون علت انقلاب در یک جامعه در اثر فقر و بحران اقتصادی نیست. در جوامع مورد بررسی، حقانیت طبقه حاکم با تردید نگریده می‌شد. در جوامع مورد بررسی، نوعی درگیری طبقاتی دیده می‌شد، اما منظور از ناهمسازی طبقاتی درگیری طبقات پایین با طبقات بالا نبود؛ بلکه طبقه متوسط از اشراف و امتیازات آنان تنفر داشتند. نتیجه آن که در نظریه برینتون عدم بحران اقتصادی و وجود شکاف طبقاتی از نشانه انقلاب در چهار کشور است.

۲-۲- بحران مشروعیت و ناکارآمدی هیات حاکمه: ناکارآمدی، مشروعیت دولت را با بحران مواجه ساخته و به ورشکستگی انجامیده است. بی‌سامانی، آشفتگی امور، رکود قدرت منجر به ناکارآمدی هیات حاکمه گشته بود. چهار انقلاب مدنظر برینتون که در جهان غرب پس از سده‌های میانه رخ داده‌اند، از نظر وی انقلاب‌های «مردمی» یا «دموکراتیک» بودند که به نام «آزادی» برای اکثریت، علیه اقلیت ممتاز انجام گرفتند و همگی آن‌ها موفق بودند، یعنی نتیجه‌شان به حکومت رسیدن قانونی انقلابیون بود (برینتون، ۱۳۶۳: ۲۳). بنا بر نظریه برینتون در چهار انقلاب مورد بررسی، «حکومت‌ها نسبتاً



مقاله پژوهشی

ناکارآ می‌نمایند و حکومت شوندگان نیز نسبتاً نابردبار به نظر می‌آیند». برینتون «ورشکستگی قریب الوقوع حکومت» را «گواه پیشینی بر ناکارایی» چهار جامعه مورد بررسی تلقی کرده و بر این باور است که در جوامع مزبور «دولت دیگر آشکارا خوب نمی‌گردد» (همان: ۴۱). از نظر برینتون ناکارآمدی و بحران مشروعیت از علت اساسی انقلاب است.

۲-۳- تغییر بیعت منورالفکران و ناهمسازی طبقاتی: از نظر برینتون در همه جوامع مورد بررسی برینتون، «گروه‌های فشار با منظوره‌های کم و بیش انقلابی» وجود داشتند که فعالیت این گروه‌ها در مباحث سیاسی و اخلاقی بوده است. این گروه‌های فشار عمدتاً همان منورالفکران (از جمله نویسندگان، هنرمندان، موسیقیدانان، معلمان و واعظان) هستند که «سخت به نهادهای موجود می‌تازند و آرزومند یک دگرگونی چشمگیر در جامعه، کسب و کار و حکومت» هستند (برینتون، ۱۳۶۳: ۴۹-۴۸). منورالفکران علیه حکومت و وضع موجود می‌شورند و انتقاد می‌کنند و در جستجوی ترقی هستند. خلاصه اینکه این منورالفکران به دنیایی دیگر و بهتر از نظام‌های موجود و مستقر تغییر بیعت داده اند (همان: ۵۳-۵۱). برینتون بر این باور است که ایده‌های انتقادی و همچنین آرمان‌های مرتبط با یک جهانی بهتر، در این چهار انقلاب وجود داشته و نقش موثری در انقلاب دارند. به باور او اگر این ایده‌ها نباشند، انقلابی نیز در کار نیست (همان: ۵۹-۵۸). چهار انقلاب مورد بررسی برینتون، بیشتر ماهیتی «اجتماعی یا طبقاتی» دارند. انقلاب آمریکا به شکل برجسته‌ای یک انقلاب «ملیت پرستانه-سرزمینی» است. به باور برینتون این انقلاب یک جنبش اجتماعی و طبقاتی نیز بود و هر چه زمان جلوتر می‌رفت «خصلت اجتماعی» آن بیش از پیش نیرومندتر می‌شد (همان: ۲۷-۲۶).

۲-۴- ناکامی شگفت آور در کاربرد زور: حکومت‌ها در چهار انقلاب مورد نظر نتوانستند به حد کافی و موثر اعمال زور کنند. به نظر برینتون، هیچ حکومتی سقوط نمی‌کند مگر آنکه نظارت خویش بر نیروهای مسلح و قدرت اعمال موثر آن‌ها را از دست داده باشد (برینتون، ۱۳۶۳: ۱۰۲-۱۰۳). قدرت‌های مورد بررسی برینتون در هر مورد با ناکامی شگفت‌آوری روبرو گشتند. آن‌ها که از سوی طبقه حاکم مسؤل چنین واکنش‌هایی در جوامع بودند آشکارا نتوانستند به اندازه کافی زور بکار ببرند (همان: ۱۰۲). برینتون در خصوص این مولفه می‌نویسد: «در انگلستان ارتش دائمی چشمگیری وجود نداشت و طبعاً از چیزی همانند یک نیروی پلیس نوین نیز نشانی نبود» (همان). همچنین «در انقلاب آمریکا، چه وفاداران امریکایی و چه قوای بریتانیایی به اندازه کافی نیرومند نبودند که بتوانند در هنگام رخداد انقلاب، نیروی مسلح شان را برای کوشش در جهت سرکوبی انقلابیون به کار برند» (برینتون، ۱۳۶۳: ۱۰۳). در فرانسه نیز علیرغم اینکه لویی شانزدهم یک نیروی مسلح قابل اعتماد و نیز یک گارد شاهی مهمی متشکل از مزدوران سوئسی و آلمانی در اختیار داشت. نتوانست بگونه موثری از نیروهای نظامی خود استفاده کند. در انقلاب روسیه نیز سربازان حکومت از رویارویی با مردم سر باز زدند و به جای آن، دسته دسته به مردم پیوستند (همان: ۱۰۴-۱۰۳).

از نظر برینتون عوامل ذکر شده در مدل مفهومی بالا، از نشانه‌های مقدماتی انقلاب است؛ برینتون در تعریف انقلاب دنبال یک معنی و مشخصه دقیق است. او می‌گوید آنچه در تعریف انقلاب در کانون توجه من قرار دارد عبارت است از: «جانشینی ناگهانی و شدید گروهی است که تا کنون حکومت را به دست نداشته‌اند به جای گروه دیگری که تا پیش از این متصدی اداره دستگاه سیاسی کشور بوده‌اند» (همان: ۲).

برینتون فرایند بروز انقلاب را چنین توصیف می‌کند: «ما انقلاب‌ها را همچون نوعی تب می‌انگاریم. شاخصهای نمودار تب ما به گونه‌ای آماده بدست می‌آید. در جامعه و در زمان زندگی یک نسل پیش از انفجار انقلاب، یعنی در رژیم پیشین، نشانه‌هایی از آشوب آینده بدست خواهد آمد. به بیان دقیق این نشانه‌ها علائم کاملی نیستند و بیماری زمانی پدیدار می‌شود که این نشانه‌ها به اندازه کافی گسترش یافته باشند؛ شاید بهتر باشد این نشانه‌ها را نشانه‌های مقدماتی بخوانیم، یعنی همان علائمی که یک آسیب شناس بسیار باهوش با دیدن آنها می‌تواند تشخیص دهد که بیماری در شرف بروز است اما هنوز چندان گسترش



نیافته است که بتوان بیماری اش خواند. سپس زمانی فرا می رسد که علائم کامل بیماری خود را نمایان می سازند و در اینجاست که می توان گفت تب انقلاب آغاز گشته است» (همان: ۱۸). برینتون هر یک از نشانه های انقلاب را وجود یک بیماری در اعضا و سیستم جامعه بیان می کند.

۳- انطباق سنجی نشانه های مقدماتی انقلاب برینتون در مشروطه ایران

این مبحث چهار مولفه زمینه ساز و مقدماتی نظریه برینتون را بر اساس روایات سیاحتنامه /براهیم بیگ مورد ارزیابی و سنجش قرار می دهد.

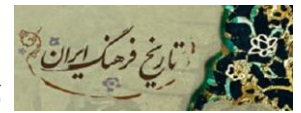
۳-۱- بحران اقتصادی و شکاف طبقاتی:

در ارتباط با مولفه اقتصادی، سیاحتنامه علت برکناری امین الدوله از مقام صدارت در دوره مظفرالدین شاه را تهی بودن خزانه از وجه و امتناع امین الدوله از استقراض خارجی عنوان می کند (مراغه ای، ۱۳۸۸: ۴۲۸) استقراض به عنوان بی پولی دولت و در نتیجه بحران اقتصادی، مورد توجه سیاحتنامه واقع شده است. گرچه قرض حکومت از بانک شاهنشاهی برای پرداخت غرامت امتیاز رژی و نیز استقراض از روسیه بعد از برکناری امین الدوله با واگذاری گمرکات به عنوان تأمینات قرض انجام شد؛ ولی با استقراض از کشورهای خارجی نیز مشکلات و بحران اقتصادی مرتفع نشد.

ابراهیم بیگ وضعیت نامناسب اقتصادی و ویرانی کشور را با الفاظ و ادبیات ویژه خود چنین بیان می کند: «هر جا که می نگری، مردمان تنبل و بی کارند که در هر گوشه ای جوق جوق نشسته اند. شهرها همه خراب و چون گورستان است. اگر شخصی به دیده بصیرت بنگرد از در و دیوار شهر توان شنید که به آواز بلند می گوید؛ من صاحب ندارم و برای آبادی من هیچ اقدامات به کار نمی برند» و همچنین از مهاجرت سالانه هزاران نفر از ایران به خارج به دلیل تعدیات حکام و بی توجهی حکومت سخن می گوید (مراغه ای، ۱۳۸۸: ۱۰۳-۱۴۱). در مواضع مختلفی بر وضع پریشان صنعت و تجارت و زراعت ایران، عدم توجه ایرانیان به توسعه تجارت و افزایش «ثروت عمومی» و یا «ثروت ملی»، عدم تولید مایحتاج زندگی مردم در داخل و وابستگی به خارج و عدم همکاری تجار در ایجاد «شرکت های بزرگ» و کارخانه انتقاد می کند (مراغه ای، ۱۳۸۸: ۸۷، ۱۴۱، ۱۶۶، ۱۷۱، ۱۸۶، ۱۹۰، ۱۹۲-۱۹۱، ۱۹۷، ۱۹۹، ۲۱۷). کاهش مداوم ارزش پول نقره ایران در تجارت خارجی را یکی از عوامل ورشکستگی تجار ایران عنوان می کند. در جایی خطاب به مردم تبریز می نویسد: «یک کومپانی نیز برای ترویج تجارت و توسعه دایره معاملات وطن خودتان تأسیس نکرده اید، حال آنکه همه مردمان تجارت پیشه هستید. از کاغذ قرآن تا کفن مردگان خودتان محتاج فرنگیان اید» (مراغه ای، ۱۳۸۸: ۱۹۷).

سیاحتنامه از مسئله اقتصاد غفلت نکرده و در اشاره به وضع بد اقتصادی در دوره مظفرالدین شاه، به گرانی غله و فقر و بیکاری و گرسنگی مردم اشاره کرده و می افزاید که «کساد بازار، کسبه و تجار را از پا در آورده است» (مراغه ای، ۱۳۸۸: ۴۶۴). در تأیید روایت مراغه ای، جان ویشارد (از پزشکان امریکایی دوره مظفرالدین شاه و مستقر در تهران) نیز در توصیف اوضاع دوره مظفرالدین شاه، بر تهی بودن خزانه و گرفتن قرض از روسیه و ورشکستگی مالی دولت در دوره شاه مذکور اشاره دارد (ویشارد، ۱۳۶۳: ۳۲۸-۳۲۷ و ۳۳۱) همچنین در همین دوره گرانی نان و گوشت در مشهد باعث شورش مردم علیه مسببین گرانی و آصف الدوله حکمران مشهد و کشته شدن چهل نفر در این شورش شده بود (کسروی، ۱۳۸۵: ۹۵-۹۴).

در اشاره به وضعیت اقتصادی ایران در سال های منتهی به مشروطیت باید گفت که ایران عصر مشروطه، نظام مالی فرسوده و نهاد آموزشی توسعه نیافته ای را تجربه می کرد. آغاز بحران اقتصادی دولت قاجارها بعد از شکست در جنگ های ایران و روس آشکار شد، از دست دادن مناطق حاصلخیز طی عهدنامه گلستان و ترکمنچای، دادن امتیازات اقتصادی به کشورهای غربی، واردات بی رویه کالاها سبب از بین رفتن صنایع نوپا و کوچک داخلی شد همچنین ساخت کارخانه نیازمند استخراج منابع و



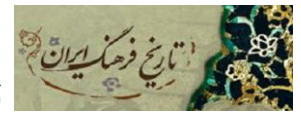
معادن بود که حاکمان قاجار ناتوان از سرمایه‌گذاری در این زمینه بودند (پولاک، ۱۳۶۸: ۳۹۱). قابل ذکر است که ظرفیت‌های اقتصادی ایران از بین رفته بود به گونه‌ای که طالبوف از عوامل تنزل تقاضا برای کالاهای تولید شده در ایران در بازارهای خارجی سخن می‌گوید و از عدم حمایت از کشاورزان و مهیا نبودن زیر ساخت‌های اقتصادی که در نهایت منجر به خروج «ثروت» از کشور می‌شود انتقاد می‌کند (طالبوف، ۱۳۵۶: ۹۷-۹۵).

عدم رونق کشاورزی به علت وضعیت اقلیمی، کمبود آب و اقتصاد معیشتی، سختی مبادلات اقتصادی و کاهش قیمت محصولات، ترغیب بریتانیا بر کاشت تریاک، مبادله مواد خام از قبیل تریاک، پنبه، توتون، تنباکو و ابریشم و سایر اقلام با فرآورده‌های صنعتی اروپا از علل بحران اقتصادی بود. قحطی‌های متعدد، کاهش ارزش پول ایران به دلیل ضعف دولت و کاهش ارزش جهانی نقره، کاهش بهای مواد صادراتی ایران، افزایش مالیات جهت تأمین هزینه‌ها (واتسن، ۱۳۴۸: ۸-۹؛ بروان، ۱۳۷۶: ۴۶)، اعطای امتیازات و استقراض از بانک‌های خارجی و مواجهه ایران با اقتصاد سرمایه‌داری، باعث شد که اقتصاد ایران از یک اقتصاد معیشتی و سنتی به یک اقتصاد نیمه معیشتی و شبه سرمایه‌داری تغییر یافت.

۲-۳- بحران مشروعیت و ناکارآمدی هیات حاکمه:

مراغه‌ای در باب ناکارآمدی هیات حاکمه نقل کرده است که؛ «در ایران هیچ صدر اعظمی نیست ایمن باشد از این که فردا تمامی شئون بزرگی را از او باز نخواهند گرفت و نیز هیچ درباری از سرای سلطنت نیست که خمیازه‌صدارت نکشد. همه در تجسس لقب و در پی تکثیر اسب و یدک و نوکر و خدم و حشم‌اند. آن چه در نظرشان نیست قدسیت وطن، آبادی مملکت، تأمین استقبال اخلاف خودشان و فراهم آوردن اسباب ترقی و قدرت دولت است و بس» (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۲۲۰). مراغه‌ای بحران مشروعیت و ناکارآمدی را در بی قانونی می‌داند و مصادیق آن را با این جملات روایت می‌کند؛ «همه چیز هست، چیزی که نیست قانون است. نظم ندارد. از این رو، وظیفه‌آحدی از حاکم و محکوم، رعیت و صاحب منصب معلوم نیست، و بدین سبب مکتب ندارد، مالیات ندارد، رشوت دارد، استبداد دارد، اجحاف دارد، شهرها خراب مانده، صحراها لم یزرع مانده، آب‌ها گندیده، از تعفن آب‌ها از کوچه گذر کردن مشکل است، گدایان وزیر گشته، وزیران گدا شده، کار در دست غیر اهلبش افتاده، قاپان قاپان است، چاپان چاپان است، چگه چگه، سوخا سوخ است» (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۳۲۷). روایات سیاحت‌نامه گویای نهایت بی قانونی در بحبوحه مشروطه خواهی ایرانیان است. ویشارد در اشاره به ناکارآمدی دولت در عهد مظفر الدین شاه می‌نویسد: «هر روز دولت در اداره امور ناتوان می‌شد. تغییر دولت در اصلاح اوضاع تأثیری نداشت و با کمبود غله و گرانی نان روز به روز مردم در تنگی و فشار بیشتر گرفتار می‌آمدند» (ویشارد، ۱۳۶۳: ۳۳۱). شکوه از نابسامانی اوضاع و ناکارآمدی دولت در اغلب رسائل انتقادی و اصلاحی دوره ناصری مشاهده می‌شود. در این رسائل، مطالبه حکومت قانون از مطالبات اساسی ترقیخواهان است. طالبوف از جمله منورالفکران برجسته این دوره است که بر ضرورت حکومت قانون تأکید می‌کند (طالبوف، ۱۳۵۶: ۹۹، ۱۲۱-۱۲۰، ۱۲۵، ۲۱۲-۲۱۰). میرزا یوسف خان مستشارالدوله عامل اصلی «جمعیت انتظامات فرنگستان» و منشأ تمام ترقیات غربیان را در حاکمیت یک کلمه قانون می‌دانست (تبریزی، ۱۳۵۶، ۷۵-۷۴) مجد الملک سینکی هم در مواضع متعددی از رساله خود، از بی قانونی و ظلم و تعدی به مردم و نابسامانی و فساد دستگاه اداری کشور انتقاد می‌کند (مجدالملک، ۱۳۲۱: ۱۵-۱۰، ۱۹، ۶۱) و تاسیس «مجلس» و حکومت مبتنی بر قانون را راهکار نجات و ترقی کشور عنوان می‌کند (مجدالملک، ۱۳۲۱: ۳۷، ۶۸-۶۶). در واقع استقرار قانون و تشکیل عدالتخانه از آرمان اصلی ترقیخواهان بود که در نهایت آمال خود را در گفتمان مشروطه خواهی دنبال کردند.

سیاحت‌نامه به کرات از رواج رشوه، آشفتنگی امور، بی مسئولیتی و ظلم کارگزاران و حکام، مهاجرت مردم به خارج، عدم نظارت بر امور و فروش و اجاره مناصب سخن می‌گوید. بر نابسامانی و ناکارآمدی وزارت داخله، وزارت خارجه، وزارت جنگ می‌تازد (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۸۷-۲۴۱). جابجایی مداوم حاکم شهر را علت بی‌ثباتی اداره شهر و عدم نهادمندی نظام اداری کشور را ریشه در فقدان نظام تنبیه و پاداش می‌داند (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۱۹۳). سیاحت‌نامه با اشاره به فرمان مشروطیت ژاپن،



مشروعیت آسمانی حکومت‌ها را زیر سوال می‌برد. نقل می‌کند که ژاپن، عادات، شئون و حقوق سابق سلطنت را کنار نهاده و میان خود و ملت اعلام «برادری و برابری» نموده و بر همین اساس فرمان تشکیل پارلمان و تدوین قانون اساسی را صادر می‌کند. از غفلت مکتب‌های ایران از آموزش علوم جدید خرده می‌گیرد و بر اهمیت علوم و فنون جدید تاکید می‌کند (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۶۶-۶۵، ۱۲۴-۱۲۳)، از فقدان تأسیسات تمدنی جدید از جمله راه آهن تأسف خورده و از ناآشنایی کارگزاران دولت با پول کاغذی و بانک و عدم فهم آن‌ها از «مجلس مبعوثان - پارلمنت» انتقاد می‌کند.

زین العابدین مراغه‌ای در جایی از اثر خود، ریشه تمام ناکارآمدی‌ها و تباهی‌های مملکت را چنین بیان می‌کند: «تمام این بلاها از نبودن قانون مساوات است که جان و ملک و عزت و آبروی یک ملت را بر باد داده است» (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۵۰۵-۵۰۴) وی در جای دیگری تنها راه نجات را برقراری «اصول کانستی تیوشن» می‌داند (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۴۹۳). از نظر نویسنده رساله سیاحتنامه راهکار رهایی از این وضعیت، تاسیس «مجلس شورا» و «اتفاق دولت و ملت و حصول مساوات و عدالت در مملکت» است. همچنین در مواضع مختلفی از سیاحتنامه، استقرار «قانون مساوات»، وسیله ترقی ایران عنوان می‌شود (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۲۹۶-۲۹۸ و ۳۳۶-۳۶۷).

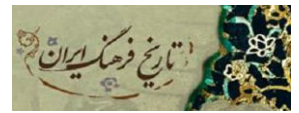
سیاحتنامه بی قانونی را عامل تباهی مملکت و ظلم به مردم می‌داند و حکومت مبتنی بر قانون را وسیله ترقی و نجات می‌داند در جایی به شکل آشکاری مسئله عبور از حکومت استبدادی و خودکامه به سلطنت مشروطه را مطرح می‌کند و همراهی سه قشر «رعیت»، «رؤسای روحانی» و «سلاطین» را در استقرار حکومت مبتنی بر نظم و قانون ضروری دانسته و چنین القا می‌کند که اگر در گذشته یکی از اقشار مزبور با حکومت قانون مخالفت می‌کرد، اکنون همه آن‌ها با استقرار حکومت قانون همراهی دارند چرا که امروز همه می‌دانند که «سلطنت و استقلال پادشاه با قانون مشروطیت هزار مرتبه مشعشع‌تر و عزیزتر از پادشاهی بارباری [بربری] است»، رعیت هم پی برده‌اند که رفاه و آسایش آن‌ها منوط بر استقرار حکومت قانون است و علما هم با استقرار آن موافقت می‌دانند که با حکومت قانون احکام شریعت بهتر اجرا می‌شود. در جایی از سیاحتنامه پیش بینی می‌شود که مظفر الدین شاه در سعادت به روی ایرانیان خواهد گشود و «پرده ظلمتی که ولایت فروشی و استبداد در مقابل اینان کشیده به قانون مشروطیت رفع خواهد شد» (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۳۹۳-۴۰۹).

بی‌قانونی، عدم مصونیت جانی و مالی مردم، ناکارآمدی حکومت و آگاهی از ترقیات و نظام‌های سیاسی ملل دیگر، از عواملی بودند که قاجارها را با بحران مشروعیت مواجه ساخته و زمینه‌های مشروطه خواهی ایرانیان را فراهم می‌نمود. یکی از اساسی‌ترین مطالبات ترقیخواهوان که انعکاس آن را در سیاحتنامه هم می‌بینیم، اصل مساوات و حکومت قانون و مبتنی بر مشارکت مردم بود که تحقق این آرمان‌ها را در استقرار نظام مشروطه می‌دانستند. در واقع ترقیخواهانی چون مراغه‌ای نجات کشور را در استقرار مشروطیت می‌دانستند که با آن قدرت شاه محدود شده، امنیت و حقوق مردم تامین و بسیاری از ناکارآمدی‌ها علاج می‌شد.

۳-۳- تغییر بیعت منورالفرکان و ناهمسازی طبقاتی:

بیدارگری و انتقادات منورالفرکان از وضعیت کشور و نیز نظام سیاسی مستقر، از نشانه‌های مقدماتی نظریه انقلاب برینتون است. فعالیت منورالفرکان که در کتاب برینتون به «گروه فشار» نیز لقب گرفته است، در چهار انقلاب مورد مطالعه وی نیز نقشی مهم داشته‌اند. منورالفرکان در جنبش مشروطه‌خواهی ایرانیان نیز موتور محرکه جنبش بوده‌اند.

در نظریه برینتون، منورالفرکان علیه حکومت و وضع موجود می‌شورد و انتقاد می‌کنند و در جستجوی ترقی هستند، از مفاهیم جدید و حقوق طبیعی انسان سخن می‌گویند. خلاصه اینکه این منورالفرکان به دنیائی دیگر و بهتر از نظام‌های موجود و مستقر تغییر بیعت داده‌اند. انتقادات تند و تیز سیاسی و اجتماعی منورالفرکان سده هجدهم فرانسه از جمله ولتر، روسو، دیدرو، رنال، دلباخ، ولنه، هلوسوس، دالامبر، کندروسه، برناردن دو سن پیر از مهم‌ترین مصادیق تغییر بیعت منورالفرکان فرانسه با حاکمیت این کشور است که نقش مهمی در انقلاب فرانسه داشتند. همچنین برینتون در کتاب خود



مقاله پژوهشی

آورده است که، منورالفکران روسیه نیز انتقادات تند سیاسی و اجتماعی به حاکمیت داشتند و در آمریکا نیز روشنگری نقش داشت و منورالفکران خواهان حقوق طبیعی انسان بودند (برینتون، ۱۳۶۳: ۵۳-۵۱).

در جنبش مشروطه خواهی ایرانیان نیز تغییر بیعت منورالفکران اتفاق افتاده است. سوال است که منورالفکران ایران در قبال چه امری و یا چه چیزی تغییر بیعت دادند؟ آنها با استبداد پادشاه به مبارزه برخاسته و بیعت خود را با نظام سیاسی موجود شکستند. افزودنی است که منورالفکران از وضعیت موجود به وضعیت دیگری و بهتر و از نظام موجود که نظامی ظالم، ناکارآمد، فاسد و استبدادی بود به نظام مشروطه و حکومت قانون که نجات کشور را در آن تصور می کردند تغییر بیعت دادند. در جنبش مشروطه این تغییر بیعت در آثار منتقدان بسیاری بروز و ظهور کرده است. یکی از مهم ترین این آثار، رساله انتقادی *سیاحتنامه ابراهیم بیگ* است که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته است.

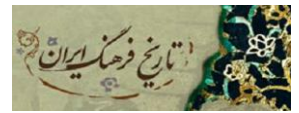
با دستیابی نخبگان به معرفت جدید از طریق فرنگ، شکاف فاحشی بین نخبگان عصر مشروطه و دستگاه سلطنتی پدید آمده بود. گفتمان منورالفکری و افکار اصلاحی در سالهای منتهی به مشروطیت در ایران بروز کرد (اتحادیه، ۱۳۶۱: ۶۴)؛ ولی در بحبوحه مشروطه خواهی در صدد عملی کردن آن بودند. عملیاتی کردن افکار و اندیشه منورالفکران به تنهایی کافی نبوده و توانایی تغییر در سلطنت را دارا نبود؛ در نتیجه تشکیل ائتلاف انقلابیون اجتناب ناپذیر بود.

در اثر تبادلات جهانی، اقشار اجتماعی تازه ای پدیدار شدند که با ساختارهای کهن و نظم ناشی از آنها چندان سازگار نبود و ضرورت تحولات را گوشزد می کردند و از سوی دیگر گروه سنتی و روحانیون نیز بصورت پیوسته استقلال کشور و عدم وابستگی را به حاکمان گوشزد کرده و مردم را نسبت به استقلال کشور هشدار می دادند. در نظام پادشاهی قاجار، نخبگان شامل شخص شاه، صدراعظم و درباریان و ولیعهد تمام قدرت را در قبضه داشتند، با توجه به بوروکراسی ضعیف، ارتباط بین نخبگان و حاکمیت مسدود بود. در حاکمیت های یک سویه، ارتباط بین نخبگان و منورالفکران با حاکمیت معنا ندارد. در این شرایط نخبگان فرهنگی (علماء و منورالفکران)، نخبگان اجتماعی (روسای ایلات) و نخبگان اقتصادی (بازرگانان) وارد عرصه سیاسی شدند و در صدد مقابله با قدرت نخبگان حاکمیتی برآمدند.

در بررسی مشروطیت ایران بر اساس نشانه های مقدماتی برینتون گفتنی است که تضاد طبقاتی در جریان مشروطه خواهی ایرانیان دخالت نداشت، به این دلیل که ماهیت حاکمیت و سلطنت قاجار مجال بروز و ظهور طبقات را به جامعه نداده بود و اقشار و طیف متنوعی در جریان مشروطه خواهی مشارکت داشتند (محیط مافی، ۱۳۶۳: ۹۶-۱۰۸). شورش و ناراضی گسترده میان همه اقشار وجود داشت و همچنین در انقلاب مشروطیت ایران به دلیل فقدان متوسط ناراضی، شاهد شورش دهقانی هم نیستیم. در جریان مشروطیت ایران به دلیل مدیریت قبیله ای و حکومت صاحبان آب، زمین و احشام بر کشور، طبقه و نزاع طبقه ای شکل نگرفت. اگر چه حضور روستائیان، ایلات و عشایر را در جریان مشروطه ضعیف ارزیابی کرده اند؛ ولی پس از آغاز جنبش، اغلب گروه ها و اکثر شهرهای بزرگ و پس از آن روستاها وارد جریان مشروطه شدند علت این مسئله هم، به پیوند نزدیک روستائیان و عشایر با علما و روحانیت بر می گردد. به سخنی دیگر گروه ها و طیف های متنوعی از جامعه ایران در مشروطیت شرکت داشتند. البته که حضور اقشار متنوع به معنای اجماع در تحقق هدفی واحد نبود.

۴-۳- ناکامی شگفت آور در کاربرد زور:

صاحب رساله *سیاحتنامه* در بحث پیرامون انقلاب فرانسه ابراز امیدواری می کند که ایرانیان بدون انقلاب و با حسن نیت مظفردالدین شاه به مشروطه و ترقی دست یابند (مراغه ای، ۱۳۸۸: ۴۱۸). با نگاه به تجربه فرانسه و ژاپن، دو روش و راه را برای تحقق ترقی و اصلاحات مطرح می کند. روش اول، انقلاب و شورش ملت و روش دوم، اصلاح مسالمت آمیز و بدون خونریزی از بالا و صدور فرمان مشروطیت از سوی پادشاه. مراغه ای در ادامه، ایرانیان را به اجتناب از انقلاب توصیه کرده و چنین دلیل می آورد: «طریق اولی، یعنی شورش رعایا بر شخص سلطنت، اگر چه اقرب به مقصود است، ولی از راه شاه پرستی، بنده عین خطا و خطای عین می پندارم ... امروز برای ایران هیچ تهلکه ای مانند شورش داخله مضر نیست ... زیرا دشمنان سه جانب ما، ...



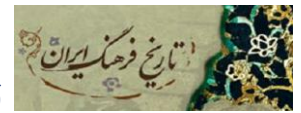
مقاله پژوهشی

منتظر فرصت می‌باشند» (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۴۹۱). پس از توصیه به اجتناب از انقلاب و شورش، اصلاح وضع پریشان ایران را منوط بر همراهی مسالمت آمیز مظفرالدین شاه و صدور فرمان مشروطیت می‌داند (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۴۹۱). سیاحتنامه در ترویج مشروطیت در پی اقتناع ایرانیان مبنی بر ضرورت استقرار نظام مشروطه است و در راه رسیدن به مشروطیت نیز راه مسالمت آمیز را توصیه می‌کند.

در جریان سلسله حوادثی که منتهی به صدور فرمان مشروطیت از جانب مظفرالدین شاه شد، درگیری مسلحانه، شورش و مبارزات خونینی که در جریان انقلاب فرانسه و انقلاب ۱۹۰۵ روسیه اتفاق افتاد، در بین مشروطه خواهان و دربار اتفاق نیفتاد. حاج زین العابدین در جلد سوم سیاحتنامه که پس از اعطای فرمان مشروطیت (بین سال‌های ۱۳۲۷-۱۳۲۴) نوشته شده است، ابراز می‌دارد که مظفرالدین شاه، مشروطیت را به ملت اعطا کرده است و چون بدین طریق، وسیله ترقی مملکت و آزادی ملت را فراهم نموده است، سزاوار تمجید است (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۶۹۴ و ۶۹۷) و در ادامه با صراحت بر جنبه مسالمت آمیز بودن جریان صدور فرمان مشروطیت ایران، اشاره کرده و می‌افزاید: «باید پاس این نعمت عظمی و عطیه کبری را همه بدانیم ... زیرا در سایر ممالک، با ائتلاف میلیون‌ها نفوس، این نعمت را ملت به دست آورده و در راه رفع قانون استبداد و تحصیل آزادی و مساوات، کروه‌ها زن بیوه و اطفال یتیم مانده و سیل‌های خون در کوچه و برزن جاری گردیده ...» (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۶۹۷) باز در تاکید بر ماهیت مسالمت آمیز صدور فرمان مشروطیت به مقایسه جریان مشروطیت ایران با انقلاب خونین ۱۹۰۵ روسیه اشاره کرده و در جایی از این مقایسه می‌نویسد: «... دو سال تمام که چه خون‌ها به خاک ریخته می‌شود، هر روز در گوشه‌ای بلای بلوا بالا می‌گیرد ... فلان بانک را یغما نمودند، فلان شهر را سوختند ... حرکات واقعه فی مابین اهالی و قزاق ممالک روسیه را به شکل مسلخ در آورده ... ببین تفاوت ره از کجاست تا به کجا. ملت روس غیر از آنچه به شما اعطا شده نمی‌خواهند، ولی شاهنشاه رثوف ایرانیان بدون چون و چرا عنایت فرمود ولو آن که در طهران در سر این مقوله دو سه نفر از سادات و چند نفر عام به درجه شهادت رسیدند» (مراغه‌ای، ۱۳۸۸: ۶۹۸-۶۹۷). در جریان مشروطیت ایران علیرغم کش و قوس‌های فراوان و تحصن و مهاجرت علما به قم و کشته شدن طلبه‌ای به نام عبد الحمید در جریان اعتراضات و به چوب بستن تجار، ملاحظه می‌شود که درگیری بین هیات حاکمه و مشروطه خواهان گسترده و خونین نبود.

سیاحتنامه /براهیم بیگ به عنوان یکی از مهم‌ترین آثار انتقادی و منبع فکری مشروطه خواهان که جلد اول و دوم آن در سال‌های منتهی به مشروطیت و جلد سوم آن نیز اندکی پس از آن نوشته شده، قبل از صدور فرمان مشروطیت بر اعطای مسالمت آمیز پادشاه و استقرار مشروطیت در ایران به مانند الگوی مسالمت آمیز ژاپن تاکید دارد و پس از اعطای فرمان مزبور نیز از شاه به پاس اعطای مشروطیت قدردانی می‌کند.

مرور حوادث مشروطیت، نشان می‌دهد که صدور فرمان مشروطیت توأم با خشونت و خونریزی گسترده نبوده است. جریان مشروطه خواهی به رهبری طباطبایی و بهبهانی راه‌های مسالمت آمیز مانند ایستادگی بر سر مواضع، مذاکره، واسطه افکنی، مهاجرت و بست نشینی را تعقیب می‌کرد و عاقبت نیز صدور فرمان مشروطیت نه با غلبه نظامی و درگیری مسلحانه از طرف مشروطه خواهان، بلکه با همین راه‌های مسالمت آمیز بدست آمد. به این توضیح که شاهد مذاکره و واسطه افکنی بین رهبران مشروطه و وابستگان حکومت، و شخص شاه هستیم. واسطه گری شمس الدین بیگ سفیر عثمانی و انتقال خواسته های مهاجرت کنندگان، مذاکره طباطبایی با عین الدوله در ماه صفر ۱۳۲۴ ق، نامه طباطبایی به عین الدوله به تاریخ ربیع الاول ۱۳۲۴، نامه طباطبایی به مظفرالدین شاه، نامه ناصر الملک به طباطبایی، نامه‌های بهبهانی به سفارت انگلیس برای جلب همراهی با جنبش و پذیرش میانجیگری بین مشروطه خواهان و شاه از جمله این مذاکرات و رایزنی‌ها است (کرمانی، ۱۳۷۶: ۳۵۷-۳۵۹، ۳۷۷؛ کرمانی، ۱۳۹۱: ۲۹۶، ۳۲۶-۳۲۸، ۳۳۸-۳۴۰، ۳۸۲-۳۸۸؛ خاطرات احتشام السلطنه، ۵۲۷-۵۳۱؛ دولت آبادی، ۱۳۶۲، ج ۲: ۲۵-۱۹؛ کتاب آبی، ۱۳۶۳: ۱/ ۹؛ تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ۱۳۵۲: ۸۵-۸۶؛ کسروی، ۱۳۸۵: ۹۴-۹۲، ۹۵-۹۷، ۱۰۱-۱۰۶).



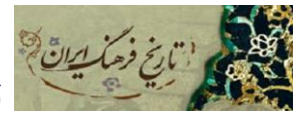
مقاله پژوهشی

علاوه بر موارد فوق، می‌توان به موارد دیگری هم اشاره کرد که نشان دهنده این است که جنبش مشروطیت از راه مذاکره، اعمال فشار و واسطه افکنی به دنبال أخذ امتیاز از شاه بود. برخی از این نمونه‌ها عبارتند از: «عریضه تلگرافی علماء اعلام و حجج الاسلام تبریز حضور شاه» مبنی بر دلجویی از مهاجرین قم و اعاده محترمانه آنها به تهران (کرمانی، ۱۳۵۷: ۵۳۵-۵۳۶)؛ نامه بست نشینان سفارت انگلیس به شاه تحت عنوان «عریضه ملت حضور اعلیحضرت بندگان شاهنشاه مظفردالدین شاه خلد الله ملکه» مبنی بر درخواست موافقت شاه با تاسیس «مجلس معدلت»، نامه مهاجرین قم به شاه مبنی بر درخواست تشکیل مجلس (کرمانی، ۱۳۹۱: ۴۳۳-۴۳۴؛ ۴۶۴-۴۶۵). عریضه ارسالی طلباب و صرافان متحصن در سفارت انگلیس توسط گرانت داف به شاه، «عرض حال عمومی متحصنین در سفارت» انگلیس به گرانت داف (تاریخ استقرار مشروطیت در ایران، ۱۳۵۲: ۹۲ و ۹۹) از همه جالبتر شفاعت محمد علی میرزا ولیعهد نزد پدرش در جلب رضایت مهاجرین قم و «اعاده محترمانه» آنها و جواب مثبت مظفردالدین شاه است (کرمانی، ۱۳۹۱: ۴۵۶-۴۵۷؛ کسروی، ۱۳۸۵: ۱۲۶-۱۲۷).

پس از عمل نکردن عین الدوله به خواسته‌های مهاجرین، در ماه ربیع الثانی ۱۳۲۴ بین مردم شینامه پخش شده بود که مردم به رهبری طباطبایی قصد جهاد علیه حکومت را دارند. طباطبایی در واکنش به این شایعات و تند روی‌ها، شبی در بالای منبر اعلام کرده بود: «از گوشه و کنار می‌شنوم که می‌گویند ملاها خیال جهاد دارند. این شایعه دروغ و خلاف واقع است. ما نه جنگی داریم نه نزاعی، پادشاه ما مسلمان است. با پادشاه مسلمان جهاد متصور نیست» (کسروی، ۱۳۸۵: ۹۹). علیرغم اینکه عین الدوله پس از کشته شدن سید عبد الحمید نگران درگیری با مشروطه خواهان بود و به همین منظور برای مقابله با تهدیدات احتمالی، لشکری را وارد شهر کرده بود؛ رهبران جنبش یعنی طباطبایی و بهبهانی به دنبال رسیدن به مقصد از راه مقاومت و آرامش بودند و قصد جنگ و خونریزی نداشتند و پیروان خود را از جنگ منع می‌کردند (کسروی، ۱۳۸۵: ۱۰۹، ۱۱۱). مسئله اساسی در بررسی عوامل پیروزی جنبش مشروطیت، اعمال فشار مشروطه خواهان به شاه برای تشکیل مجلس شورا است. این اعمال فشار که مسالمت آمیز و سیاسی بود شامل مهاجرت، نامه نگاری و اتمام حجت با شاه و صدر اعظم، بستن بازار و مغازه‌ها، بست نشینی و تلگرافات ارسالی به شاه در حمایت از مهاجرین به قم بود.

کسروی در جایی از اثر خود در اشاره به اقدام مسالمت آمیز مشروطه خواهان در دوره محمد علی شاه می‌نویسد: «دو سید ... چون با آرامش و بی خونریزی مشروطه از مظفردالدین شاه گرفته و از شیوه ویژه خود که "سخنی را گفتن و به روی آن ایستادگی نمودن" باشد، نتیجه به دست آورده بودند، چنین می‌خواستند که همیشه آن راه را پیمایند و این بود نیازی به بسیجیدن پشتیبان و نیرو نمی‌دیدند ...» (کسروی، ۱۳۸۵: ۲۱۵). شاهد دیگر در تایید مسالمت آمیز بودن جنبش این است که روز چهاردهم جمادی الثانی ۱۳۲۴ که مظفردالدین شاه فرمان مشروطیت را صادر کرد، بست نشینان در سفارت انگلیس، با شاه اعلام همبستگی کرده و جشن به پا کردند اما پس از آنکه فرمان ۱۴ جمادی الثانی را نپسندیدند شاه مجدداً جهت کسب رضایت بست نشینان سفارت انگلیس، فرمان دیگری به تاریخ ۱۷ جمادی الثانی صادر کرد (مذاکرات مجلس اول، ۱۳۸۴: ۷۵۹؛ کسروی، ۱۳۸۵: ۱۳۰). افزون بر موارد فوق، مراغه ای نیز در جای دیگری از سیاحتنامه بدون اینکه مشروطه خواهان را به جنگ و خونریزی دعوت کند، ابراز امیدواری می‌کند که فرمان مشروطیت با اختیار و همراهی مظفردالدین شاه صادر شود. و در مورد دیگری با ارجاع به آیه «شاورهم فی الامر» و نیز تبیین ترقیات ژاپن و انگلیس بواسطه تاسیس مشروطیت، سعی دارد تا شاه و درباریان را برای صدور فرمان مشروطیت اقناع نماید (مراغه ای، ۱۳۸۵: ۵۸۸، ۶۸۲).

در مجموع گفتنی است که مشروطه خواهی ایران در تداوم روند نوسازی و اصلاحات عصر قاجاریه قرار داشت. اصلاح طلبان ایرانی از نیمه دوم عهد ناصری به دنبال استقرار مشروطیت بودند. اگر چه حکومت استبدادی بود ولی ناصرالدین شاه برای مشروطه نظر مساعد خود را اعلام کرده بود (هدایت، ۱۳۶۳: ۱۵) با اوج گیری جنبش و وقوع مهاجرت صغری و کبری، مظفردالدین شاه مطالبات مشروطه خواهان را می‌پذیرد. حکومت مرکزی سعی در مهار مشروطه خواهان نداشت و در صدد سرکوب تحصن چهارده هزار نفری سفارت انگلیس هم نبود. ناکارآمدی دستگاه حاکمه، بیدارگری و انتقادات منورالفکران، گرفتاری اقتصادی و فقر مردم از مهمترین نشانه قریب الوقوع جنبش مشروطه بود که در منابع مختلف به این مقولات اشاره شده است.



مقاله پژوهشی

برخی از نشانه‌های مقدماتی بروز انقلاب بر اساس نظریه برینتون در گزارش سفیر عثمانی در تهران به دولت متبوع خود به تاریخ ۲۶ شوال ۱۳۲۴ ذکر شده است. این گزارش وجود مشکلات اقتصادی، بحران مالی و ناکارآمدی حکومت را تایید می‌کند (حضرتی، ۱۴۰۰، سند شماره ۹: ۲۱-۱۹) خلاصه اینکه با آگاهی ایرانیان از نظام‌های سیاسی جدید، دغدغه ترقیخواهی و امر نوسازی که از زمان عباس میرزا آغاز شده بود در ارتباط مستقیم با گفتمان مشروطیت مطرح شد و مطالبه عدالت و عدالتخانه به استقرار حکومت قانون در چارچوب مشروطیت بدل شده و با مفاهیم و مطالبات جدیدی چون تامین جانی و مالی مردم و اصل مساوات گره خورد.

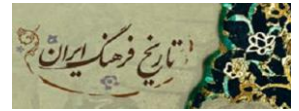
در پیوند با بحث مرتبط با مولفه «ناکامی شگفت آور در کاربرد زور» باید اشاره نمود که جنبش مشروطیت ایران با نامه نگاری آغاز شده، به دور از خشونت اوج گرفت و فرمان مشروطه با مسالمت امضاء شد. آمادگی سیاسی و اجتماعی جامعه و انعطاف دستگاه حاکمه قاجاریه از دلایل اصلی عدم بروز خشونت و پرهیز از مشی مسلحانه بود. اعتماد السلطنه می‌گوید که اولین تکان‌های اجتماعی در عهد قاجار در جنبش تنباکو بروز کرد. ناصرالدین شاه در اثر ارتباط با دولت‌های اروپایی تصمیم گرفت تغییراتی ایجاد کند، اما موفق نبود (اعتماد السلطنه، ۱۳۸۵: ۳۲۱).

در تبیین مشروطیت ایران بر اساس رهیافت نظری برینتون و روایات انتقادی *سیاحتنامه ابراهیم بیگ* گفتنی است که ناکارآمدی حکومت در تامین مطالبات سنتی و مدرن مردم، بحران مشروعیت به دلیل ناکارآمدی و آشنایی ایرانیان با نظام‌های سیاسی جدید، ناتوانی در همگامی با الزامات تمدن جدید، و به قول برینتون «تغییر بیعت منورالفکران» و انتقاد آنها از دستگاه حاکمه و نگارش رساله‌های متعدد انتقادی، همگی در وقوع مشروطیت ایران نقش بارزی داشتند. گرچه در ایران شکاف طبقاتی وجود نداشت؛ ولی تمام اقشار (روحانیت، منورالفکران و تجار و بازاریان و پیشه‌وران) در مشروط شدن اختیارات پادشاه و مشروطه خواهی همراه شدند. مشروطه خواهی هم روندی مسالمت آمیز داشت و فرمان مشروطیت با تمایل مظفرالدین شاه، بدون درگیری نظامی و خونین صادر شد و با تدوین قانون اساسی و تاسیس مجلس شورای ملی، دولت ایران در شمار دولت‌های مشروطه قرار گرفت.

نتیجه

سوال اصلی مقاله، عبارت از این بود که نشانه‌های مقدماتی و قریب الوقوع مشروطیت ایران کدامند و کدام نشانه‌ها در جریان مشروطیت ایران و چهار انقلاب بزرگ بصورت مشترک وجود داشته است؟ پاسخ به این سوال روشن کننده ماهیت جریان مشروطیت ایران نیز می‌تواند باشد. بر اساس نظریه برینتون عوامل «بحران اقتصادی و شکاف طبقاتی»، «بحران مشروعیت و ناکارآمدی هیأت حاکم»، «تغییر بیعت منورالفکران و ناهمسازی طبقاتی» و «ناکامی شگفت آور در کاربرد زور (عدم قاطعیت پلیس و قوای نظامی)» مهم‌ترین مؤلفه‌های قریب الوقوع انقلاب شناخته می‌شوند. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که به استثنای نشانه‌های «بحرانی نبودن اقتصاد»، «شکاف طبقاتی» و «ناکامی شگفت آور در کاربرد زور»، سایر عوامل در جنبش مشروطه خواهی ایرانیان مشاهده شده و با نشانه‌های مورد توجه در رهیافت نظری برینتون و چهار انقلاب مورد بررسی او، همخوانی دارد.

نتایج مقاله حاضر علاوه بر تبیین زمینه‌های مشروطه خواهی ایرانیان، تفاوت جنبش انقلاب گونه مردم ایران در اواخر قاجاریه با انقلاب‌های بزرگ دنیا (انگلیس، آمریکا، روسیه و فرانسه) را نیز نشان می‌دهد. نوآوری مقاله در سنجش مشروطه خواهی ایرانیان با چهار انقلاب مزبور و با استفاده از روایات انتقادی *سیاحتنامه ابراهیم بیگ* بود. یافته‌های این مطالعه جدید نشان می‌دهد که مشروطه خواهی ایرانیان نتیجه ناکارآمدی حکومت، انباشت تدریجی مطالبات مردم، آشنایی ایرانیان با مفاهیم و نظام‌های مدرن و نیز فعالیت منورالفکران و روحانیون مشروطه خواه به عنوان گروه فشاری که برینتون مطرح می‌کند، بوده است. بنابراین مظفرالدین شاه و دستگاه سلطنتی زیر فشار مطالبات مشروطه خواهان قرار داشت و جریانی در



مقاله پژوهشی



عرض چند ماه شکل گرفت که می توان آن را **جریان فشار و مذاکره بر / با نظام حاکم** نام نهاد. نهایتاً فشار و مذاکره و البته ناگفته نماند، همراهی شاه قاجاریه سبب صدور فرمان مشروطه ایران بدون جنگ و خونریزی فراگیر در مقایسه با انقلاب های مشابه در چهار کشور مزبور شد.

روایات انتقادی مندرج در رساله *سیاحتنامه ابراهیم بیگ* که مورد تأیید و توجه اغلب مشروطه خواهان بود، با بررسی دقیق توسط نگارندگان، نشان می دهد که برخی از عوامل و مولفه های نظریه برینتون با وضعیت ایران سنخیت ندارد. در خصوص مولفه اقتصادی و شکاف طبقاتی، وضعیت ایران متفاوت از نظریه برینتون و چهار انقلاب مورد بررسی او است. یعنی نظام حاکم و مردم ایران بر عکس چهار انقلاب مذکور، در حوزه اقتصادی با چالش جدی مواجه بودند. مطلب دیگر اینکه جامعه ایران طبقاتی نبود و تضاد طبقاتی نقشی در مشروطه خواهی ایرانیان نداشت.

در توضیح چرایی عدم تطبیق مولفه «ناکامی شگفت آور در کاربرد زور (عدم قاطعیت پلیس و قوای نظامی)»، که خود می تواند تا حدودی روشن کننده ماهیت جریان مشروطه خواهی ایرانیان باشد؛ باید گفت که عوامل ناکامی اقتصادی، بحران مشروعیت، ناکارآمدی نظام حاکم، بنا به شرایطی و طی فرایندی در دوره قاجاریه شکل گرفته و انباشته شده بودند. از طرف دیگر، اندیشه های جدید غربی وارد کشور شده و منورالفکران ضرورت مطالبات جدید را با اشاره بر وضعیت نابسامان داخلی مطرح و تبیین می کردند. به عبارت دیگر شرایط نابسامان داخلی و شکل گیری آگاهی های جدید، رابطه دیالکتیکی و متقابلی داشتند و اساساً چنین رابطه ای بود که روند مشروطه خواهی را شکل داده و سرعت بخشید. ظهور جریان منورالفکری و «تغییر بیعت منورالفکران» را هم، در دل همین رابطه باید ملاحظه نمود. اما با این وصف، پادشاه از قوای نظامی، پلیس و زور استفاده نکرد. عدم استفاده از زور در جریان مشروطیت ایران مبنی بر ناکامی و ناتوانی دستگاه قاجارها نبود؛ بلکه در نتیجه شکل گرفتن جریان فشار و مذاکره از طرف منورالفکران و روحانیون مشروطه خواه و البته همراهی شخص شاه بود. شاه بعد از صدور فرمان در قدرت باقی بود به عبارت دیگر تغییری در ماهیت گروهی که حاکمیت را در اختیار داشتند، اتفاق نیفتاد؛ چرا که فرمان مشروطیت با اعمال فشار و مذاکره و بست نشینی حاصل شد و نه جنگ و براندازی هیأت حاکمه. همین مسئله پرتوی است بر فهم ماهیت متفاوت جریان مشروطیت ایران با چهار انقلاب مورد مطالعه برینتون که می تواند دلیل مهمی بر این باشد که جریان مشروطیت در ایران، جنبش بوده است و نه انقلاب.

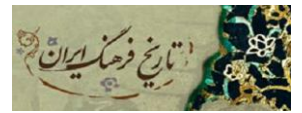
تضاد منافع

بدین وسیله نویسندگان اعلام می دارند که هیچ نفع متقابلی از انتشار این مقاله ندارند.

منابع

- اتحادیه، منصوره (۱۳۶۱)، *پیدایش و تحول احزاب سیاسی مشروطیت*، تهران: گستره.
- احتشام السلطنه (۱۳۶۷)، *خاطرات احتشام السلطنه*، به کوشش سید محمد مهدی موسوی، تهران: زوآر.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۸۵)، *روزنامه خاطرات*، با مقدمه ایرج افشار، تهران: امیر کبیر.
- امام جمعه زاده، سید جواد و ابراهیم دارابی (۱۳۸۹)، «مشروطه خواهی و نقش زور در آن بر پایه یافته های نظری کرین برینتون»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۲۷۵ - ۲۷۶، ص ۴۰ - ۵۷.
- بروان، ادوارد (۱۳۷۶)، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه مهری قزوینی، تهران: کویر.
- برینتون، کرین (۱۳۶۳)، *کالبد شکافی چهار انقلاب*، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نو.





- پولاک، یاکوب ادوارد (۱۳۶۸)، در مورد ایران و ایرانیان، ترجمه کیکاوس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- تاریخ استقرار مشروطیت در ایران: مستخرجه از روی اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلستان (۱۳۵۲)، ج ۱، استخراج و تهیه حسن معاصر، تهران: ابن سینا.
- تبریزی (مستشار الدوله)، میرزا یوسف خان (۱۳۵۶)، یک کلمه، به کوشش باقر مومنی، تهران: شبگیر.
- حضرتی، حسن (۱۴۰۰)، مشروطه ایران به روایت آرشیو عثمانی، بی جا: لوگوس.
- دولت آبادی یحیی (۱۳۶۲)، حیات یحیی، ج ۲ و ۳، چاپ چهارم، تهران: انتشارات فردوسی.
- طالبوف، عبد الرحیم (۱۳۵۶)، کتاب احمد، با مقدمه و حواشی باقر مومنی، تهران: شبگیر.
- کتاب آبی: گزارش های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران (۱۳۶۳)، ج ۱، به کوشش احمد بشیری، تهران: نشر نو.
- کرمانی ناظم الاسلام (۱۳۷۶)، تاریخ بیداری ایرانیان، ۳ جلد، به اهتمام علی اکبر سعیدی سیرجانی، نشر پیکان، چاپ پنجم، تهران.
- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۵۷)، تاریخ بیداری ایرانیان، بخش اول، تهران: انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.
- کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۹۱)، تاریخ بیداری ایرانیان، ج ۱-۳ تهران: امیر کبیر.
- کسروی، احمد (۱۳۸۵)، تاریخ مشروطه ایران، تهران: نگاه.
- مجد الملک، میرزا محمد خان (۱۳۲۱)، رساله مجدیه، تصحیح سعید نفیسی، طهران: چاپخانه بانک ملی ایران.
- محیط مافی، هاشم (۱۳۶۳)، مقدمات مشروطیت، به کوشش جواد نفرشی، تهران: علمی.
- مذاکرات مجلس اول ۱۳۲۶-۱۳۲۴: توسعه سیاسی ایران در ورطه سیاست بین الملل (۱۳۸۴)، به کوشش غلامحسین میرزا صالح، مازیار.
- مراغه‌ای، حاجی زین العابدین (۱۳۸۸)، سیاحت نامه ابراهیم بیگ، به کوشش م. ع سپانلو، تهران: آگه، ۱۳۸۸.
- مشروطیت از زبان تقی زاده (۱۳۹۹)، به کوشش و پژوهش محمود تربتی سنجابی، تهران: هزاره سوم.
- ملک زاده، مهدی (۱۳۷۱)، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، تهران: علمی.
- نوازنی، بهرام (۱۳۸۵)، «نشانه‌های تب در انقلاب مشروطیت با تکیه بر یافته‌های نظری کرین بریتون»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، ش ۲۲۷، ص ۴۰-۵۷.
- واتسن، رابرت گرانت (۱۳۴۸)، تاریخ ایران، ترجمه وحید مازندرانی، تهران: سخن.
- ویشارد، جان (۱۳۶۳)، بیست سال در ایران، ترجمه علی پیرنیا، تهران: نوین.
- هدایت (مخبر السلطنه)، مهدی قلی خان (۱۳۶۳)، طلوع مشروطیت، به کوشش امیر اسماعیلی، تهران: جام.
- یزدانی، سهراب (۱۳۹۹)، مجاهدان مشروطه، تهران: نی.